

In the Name of Allah

گرامر و راییتینگ درس اول پایه یازدهم :

Countable & Uncountable Nouns

اسم های قابل شمارش و غیرقابل شمارش

اسم قابل شمارش : اسم هایی که هم شکل مفرد و هم شکل جمع دارند و شکل مفرد آنها ، معمولاً با a /an بکار می رود .

a book - books  
a child - children

a chair - chairs  
a tooth - teeth

a person - people  
a dollar - dollars

a man - men  
a sheep - sheep

اسم غیر قابل شمارش : اسم هایی که شکل جمع ندارند و یک شکل دارند و شکل مفرد آنها با a /an بکار نمی رود .  
تعدادی از اسم های غیر قابل شمارش که در ممدوده ی کتابهای درسی و تستهای کنکور می باشند عبارتند از :  
الف: اکثر مایعات، نوشیدنی ها و گاز ها :

fuel , blood , water , milk , tea , juice , coffee , oxygen , smoke , air

ب:اسم های مربوط به جنس، مواد و برفی از غذا ها :

silver , gold , cotton , wood , iron , meat , butter , bread , rice , sugar , salt , soup

ج:زبان ها :

English, Persian, Chinese, Arabic

د: برفی از اسم های معنی (انتزاعی) :

love, honesty, happiness, beauty, health, knowledge

ه - برفی اسم های غیر قابل شمارش دیگر عبارتند از :

money, homework, information, advice, furniture, weather, traffic, news, time, food, light, play, room, noise, work, glass, paper

صفات کمی و کلمه پرسشی که قبل از اسامی قابل شمارش می آیند عبارتند از :

تعداد خیلی کم(کافی نیست) = تقریباً هیچ = few (-) مفهوم منفی دارد.	I have <u>few</u> friends here. I feel lonely. من دوستان خیلی کمی اینجا دارم. احساس تنهایی می کنم.
تعداد کمی = چند تایی = a few (+) مفهوم مثبت دارد.	I have <u>a few</u> friends here. I don't feel lonely. من چندتایی دوست اینجا دارم. احساس تنهایی نمی کنم.
تعداد زیادی = many بیشتر در جملات سولی و منفی استفاده می شود.	Are there <u>many</u> cars in the street? I don't have <u>many</u> friends.
تعدادی = several	<u>several</u> animals تعدادی میوان
چند تا / چه تعداد؟ = how many	How many pencils do you have?

صفات کمی و کلمه پرسشی که قبل از اسامی غیرقابل شمارش می آیند عبارتند از :

(-) little مقدار خیلی کم ( ناکافی ) مفهوم منفی دارد	I have <u>little</u> money. We can't buy fruit. من مقدار خیلی کمی پول دارم. ما نمی توانیم میوه بخریم.(واسه خریدن میوه پولم کافی نیست)
(+) a little=(مفهوم مثبت دارد)	I have <u>a little</u> money. Let's buy some fruit. من مقدار کمی پول دارم. بیا مقداری میوه بخریم.(واسه خریدن میوه پولم کافی است).
much= مقدار زیادی بیشتر در جملات سوالی و منفی استفاده می شود.	I didn't buy <u>much</u> bread. Is there <u>much</u> water in the glass?
how much= چه مقدار ؟	<u>How much</u> money do you need?

صفات کمی که هم قبل از اسامی قابل شمارش و هم اسامی غیرقابل شمارش می آیند عبارتند از :

some= تعدادی / مقداری ( در جملات خبری مثبت استفاده همیشه)	There is <u>some</u> bread on the table. There are <u>some</u> plates on the table
a lot of = تعداد یا مقدار زیادی (رسمی) lots of = تعداد یا مقدار زیادی (غیررسمی) plenty of = تعداد یا مقدار زیادی ( بیشتر در جملات خبری مثبت استفاده می شوند.)	She needs <u>a lot of</u> books. He has <u>lots of</u> friends. She has <u>plenty of</u> money.
all= همه	<u>all</u> the girls <u>all</u> the money
any= هیچ در جمله های منفی و سوالی به جای some استفاده می شود.	Do you have <u>any</u> money? I don't have <u>any</u> brothers.
no= هیچ (در جمله های خبری استفاده می شود و مفهوم منفی دارد. )	I have <u>no</u> time. She has <u>no</u> Spanish books.

کلمات اندازه گیری و پیمانه ها برای اسامی غیر قابل شمارش

Containers & Measure Words for Uncountable Nouns

a bottle of یک بطری	water/ milk
a cup of یک فنجان	tea / coffee
a glass of یک لیوان	water / milk / juice
a bag of یک کیسه	rice/sugar/flour
a piece of یک تکه / یک	cake/ paper/ advice / bread/ cheese/ news/ furniture/ wood / land/ information / clothing
a slice of یک قاچ/ تکه	cake / cheese / melon / pizza
a kilo of یک کیلو	rice/ meat
a loaf (loaves) یک قرص	bread
a drop of یک قطره	water/ rain/ blood
a jar of یک شیشه (ظرف)	jam / honey
a bar of یک قالب / یک شمش	chocolate / gold/ soap
a carton of یک کارتن / پاکت	milk/ juice/ ice cream
a can (tin) of یک قوطی	soup / tuna / paint
a bowl of یک کاسه ( پیاله)	soup
a sheet of یک ورق	paper / metal / ice
a tube of یک لوله ( تیوبی)	glue / toothpaste
a packet/box of یک بسته	sugar / tomato sauce

نکته: برای شمارش اسم های غیر قابل شمارش، از کلمات اندازه گیری و ظروف ( پیمانه ها ) استفاده می کنیم. که این کلمات اندازه گیری (ممیژهها) را می توانیم جمع ببندیم، اما خود اسم های غیر قابل شمارش بدون تغییر می ماند ( جمع بسته نمی شوند).

1-She drinks two cups of tea every morning.

او هرروز صبح دو فنجان چای (دوتا چایی) می خورد (می نوشد).

2-I bought three loaves of bread yesterday morning.

سه قرص نان (سه تا نان) دیروز صبح خریدم.

### نکاتی در مورد نوشتن و فواندن اعداد:

1- اعداد ، قبل از اسم های قابل شمارش می آیند. اگر عدد یک ( one=1 ) بیاد، اسم بصورت مفرد می آید ،اما بعد از بقیه ی اعداد ( two, three, four ... ) اسم بصورت جمع میاد.

one book - three books - ten books

2- در نوشتن اعداد (21 تا 99 ) بصورت مروفی، به جزء مضرب های ده ( ...30-20-10 ) ، بین دهگان و یکان این اعداد، فط تیره کوتاه ( -, hyphen ) گذاشته می شود.

21= twenty-one      22= twenty-two      45= forty-five      99 = ninety-nine

3- به فواندن و نوشتن اعداد زیر بصورت مروفی دقت شود.

100= one hundred	200 = two hundred
1000=one thousand	2000 = two thousand
1000000 = one million	2000000 = two million
1000000000 = one billion	2000000000 = two billion

نکته 1: اگر اعداد (hundred, thousand, million, billion) قبل از اسم بیایند. ( یعنی نقش صفت را داشته باشند )، (S) جمع نمی گیرند.

1-There were about two hundred people at the meeting. ( جمله درست )

2-There were about two hundreds people at the meeting. ( جمله نادرست )

نکته 2: اگر اعداد، با سافتار ( hundred, thousand, million , billion ) of + nouns )، (S) جمع می گیرد.

1-It has happened hundreds of times.

2- Millions of people live in this area.

نکته 3: به سافتار زیر ، در ترتیب اعداد ،صفات و اسم ها که پشت سر هم در یک جمله استفاده می شوند، دقت کنید .

اسم + صفت + عدد

1-There are five beautiful trees in the garden.

2- She took forty-six interesting photographs yesterday.

بخش رایتینگ درس اول زبان یازدهم:

Simple Sentences

جملات ساده ( در زبان انگلیسی

- هر جمله ساده در زبان انگلیسی، باید حداقل یک فاعل (subject) و یک فعل (verb) داشته باشد.

1- My father is sleeping.

subject verb

ترتیب معمول قرار گرفتن کلمات در جمله های ساده ، در زبان انگلیسی عبارتند از :

subject + verb + object + adverb of manner + adverb of place + adverb of time.

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل + فاعل

2-Our teacher	explained	the lesson	carefully	in class	yesterday.
subject	verb	object	adverb of manner	adverb of place	adverb of time

نکته 1: جمله می تواند هم فعل اصلی داشته باشد و هم فعل کمکی.

3-They can ride a bike.

فعل اصلی + فعل کمکی

نکته 2: قید های تکرار ( adverbs of frequency ) معمولاً بعد از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی می آیند.

always / usually / often/ sometimes/ rarely بندرت / seldom / never...

6- He usually comes to class late. 7-She may often be late. 8-They are usually on time.

نکته 3: گاهی اوقات ، قید های حالت قبل از فعل اصلی می آیند ( بویژه در جملات مجهول ، قبل از اسم مفعول pp می آیند).

9-The lesson was carefully explained by the teacher yesterday.

نکته 4: برخی از افعال، دو مفعول دارند. ( 1- مفعول مستقیم 2- مفعول غیر مستقیم ). به سافتر های زیر توجه کنید.

مفعول غیر مستقیم | مفعول مستقیم + to/for

10-I gave a book to Mina last week.

11- I will buy a cellphone for you next week.

مفعول مستقیم + مفعول غیر مستقیم

12-I gave Mina a book last week.

13-I will buy you a cellphone next week.

گرامر درس دوم زبان انگلیسی پایه یازدهم :

Present Perfect

مال کامل ( ماضی نقلی)

طرز ساخت زمان مال کامل ( ماضی نقلی ) : **subject + have / has + pp + ...**

1-We have lived in Tehran since 2012.

2-She has lived in Tehran for 8 years.

نکته 1: Past participle = اسم مفعول (pp) افعال با قاعده با افزودن { d/ed } ساخته می شود و افعال بی قاعده باید

اسم مفعول (شکل سوم) آن ها را حفظ کنیم .

play – played – played  
put – put – put

study – studied – studied  
buy – bought – bought

watch – watched - watched  
go – went - gone

نکته 2: برای منفی کردن مال کامل ( ماضی نقلی ) به فعل های کمکی { have / has } ، (not / n't) افزوده می شود.

3- I have not done my homework yet.

4- She hasn't spoken to me since last week.

نکته 3: برای سؤالی کردن مال کامل ( ماضی نقلی) ، جای فعل کمکی { have / has } با فاعل عوض می شود.

5- Have you finished your homework yet?

6- Has she lived in Tehran for 8 years?

7- How long have you lived in this house?

نکته 4: در زمان ماضی نقلی ، مخفف ( شکل کوتاه شده ) " has " بصورت ( 's ) و مخفف have بصورت ( 've ) می باشد.

8-We've studied English for 2 hours.

9-It's rained here since last night.

\*\*\*موارد کاربرد مال کامل (ماضی نقلی) :

1- برای بیان کاری یا عملی که در گذشته نامعلوم انجام شده است :

10- I have seen this film.

این فیلم را دیده ام. (در زمانی در گذشته)

11. I have read this book.

این کتاب را خوانده ام. (در زمانی در گذشته)

2- بیان کاری یا عملی در گذشته ، که اثر آن به صورت (فیزیکی یا ذهنی) در زمان مال باقی مانده است.

12- I have memorized the dialog.

من دیالوگ را حفظ کرده ام. (الان هم حفظ هست.)

13- I have opened the door.

من در را باز کرده ام. (الان هم در باز است.)

3 – برای بیان کار یا عملی که در گذشته شروع شده و تا زمان مال ادامه داشته است. { for / since }

14-We have lived in this house for 12 years.

برای دوازده سال است که در این خانه زندگی کرده ایم.

15- They have been at the hotel since last week.

از هفته گذشته در این هتل بوده اند.

✓ **for** ( برای ) با طول دوره ی زمانی بکار می رود.

( **for** 2 hours/ 5 days/ a week/ 2 months /3 years/ ... )

✓ **Since** ( از ) با شروع و مبدا زمان به کار می رود.

(**since** two o'clock/ this morning / last week / 1998 / ... )

\*\*\*نکات اضافی در مورد { **for** / **since** }

✓ اگر **بعد از since** جمله بیاید، معمولاً بصورت گذشته ساده و جمله قبل از آن مال کامل ( ماضی نقلی ) می باشد.

16- I **haven't played** football **since** I **left** university.

✓ اما با توجه به مفهوم جمله گاهی اوقات **بعد از since** جمله به صورت ماضی نقلی (مال کامل) هم بکار می رود.

17- I've known her **since** I **have lived** here.

✓ **بعد از since then** ( از اون زمان به بعد) جمله به صورت ماضی نقلی (مال کامل) بکار می رود.

18- I **left** school in 2012, and **since then** I've lived in London.

- به تفاوت دو جمله زیر دقت شود.

19- He **hasn't smoked** a cigarette **since** last month.

او از هفته قبل سیگار نکشیده است.

20- He **hasn't smoked** a cigarette **for** *the* last month.

او در طول یک هفته گذشته سیگار نکشیده است.

- در مثال 20، به حرف تعریف (the) قبل از (last month) دقت شود.

4- بیان کار یا عملی در گذشته نزدیک با قید های (just به تازگی / اندکی قبل / lately اخیراً / recently اخیراً)

21- They **have just left** home.

22- David **has recently come back** from Canada.

23- I **have been** very busy **lately**.

5- برای بیان کار یا عملی که قبل از مال (در زمان گذشته) چندین بار تکرار شده است. (امکان وقوع این عمل در آینده هم

وجود دارد.)

24 - He **has written** 3 books and he is working on another one.

25- I **have seen** this film **several times** .

26- My uncle is a writer. He **has written** many books.

- در مثال زیر ، امکان وقوع عمل در آینده وجود ندارد ، در نتیجه از گذشته ساده استفاده شده است.

27- My uncle died last year. He **wrote** many books. -

6 - با قیدهای 1- ( تا کنون) = { **so far, until now / up to now** } 2- هنوز= **yet** } در جملات منفی و سوالی

3- **already** = قبلاً 4 - **ever, never,** 5- **in /for the last few days**

28- We **have taken** 3 tests **so far**.

29- We **have had** 20 Olympic Games **up to now**.

30- I **haven't finished** my homework **yet**.

- 31- Has she finished her homework yet?  
32- I have already done my homework.  
33- Have you ever been to Paris? No, I have never been there.  
34- I have met a lot of people in /for the last few days.

7- بعد از صفات عالی مانند the best, the most (beautiful), the worst و اعداد ترتیبی the first, the second, ...

- 35- This is the best book that I have ever read.  
36- This is the first time I've driven a car.  
37- This is the most beautiful park that I've ever seen.  
38- I have lost my passport. It is the second time this has happened.

8- با قیدهای زمان today, this morning, this week / month, this evening

اگر موقع گفتگو و بیان کردن آن کار یا عمل، موعده آن زمان تمام نشده باشد.

- 39- I have written 3 letters this morning.

امروز صبح 3 نامه نوشته ام. (امروز صبح هنوز تمام نشده است)

9- مقایسه مال کامل با گذشته ساده در برمی ازهملات :

- 40- Tom has lost his key. (کلیدش هنوز پیدا نشده است.)

- 41- Tom lost his key. (نمی دانیم کلیدش پیدا شده است یا نه.)

- 42- My friend has been to Paris. (Now he is at home again.)

- یعنی دوستم قبلا در پاریس بوده و الان دیگر آنجا نیست. (یعنی الان به خانه و یا وطنش برگشته است)

- 43- My friend has been in Paris for 2 years.

- دوستم 2 سال است که در پاریس بوده است. (یعنی الان هم در پاریس است.)

- 44- My friend has gone to Paris. (He is in Paris now.)

- دوستم به پاریس رفته است. (یعنی رفته به پاریس و به خانه و یا وطنش برنگشته است.)

- 45- She has lived in Tehran for six years.

(او 6 سال در تهران زندگی کرده است. (الان هم در تهران زندگی می کند.)

- 46- She lived in Tehran for six years.

(او 6 سال در تهران زندگی کرد. (الان در تهران زندگی نمی کند.)